

به هم وطنانی که در برف کوچ شاهراه سالنگ جان خود را از دست دادند !

یاد دار ... (۲۰۱۰/۲/۱۵)

صدا زد کوه بابا بر دره ای سالنگ
بی مروت ! گرفتی با فرزندانم سرچنگ
گشتی آنان را زیر برفکوچ ، بی فیر تفنگ
می غری زین کشتارت ، مانند ببر و پلنگ
سالهاست زین عمل شومت نداری عار و ننگ

اشغالگران را بنگرید چه جفا ها می کنند
قتل عام بیچارگان ، بی چون و چرا می کنند
پرده پوشی زین عمل ، با ریب و ریا می کنند
متفرق می سازند خلق ، با بمب و تفنگ
زین عمل شوم خویش ندارند عار و ننگ

سالهاست که دارند شور و شر و قیل و قال
تاکنند مهد دلیران را تسخیر و اشغال
هست بمباران شان در کشور ما بی مثال
نفرین بر آنها که قلب شان است مانند سنگ
زین عمل شوم خویش ندارند عار و ننگ

سرزمین دلاوران به دست "اجنت" افتاده است
 به کشتار خلق با دشمن دست وحدت داده است
 بهر اثبات غلامی سر بکف استاده است
 بهر سرکوب آزادگان "یانکی" ها هستند به جنگ
 زین عمل شوم خویش ندارند عار و ننگ

کشور آزاد و مردم نیک نامی داشتیم
 هریکی در خوان خویش لقمه نانی داشتیم
 گر گدا بودیم ز آزادی مقامی داشتیم
 "نظم نوین" گرفته آزادی ما را به چنگ
 زین عمل شوم خویش ندارند عار و ننگ

اندرین سالها زکشته پشته هایی ساخته اند
 ملیت ها را به جان یک دیگر انداخته اند
 برسر بیچارگان با تانک و راکت تاخته اند
 کرده اند معتاد مرد وزن به هیروئین و چرس و بنگ
 زین عمل شوم خویش ندارند عار و ننگ

یاد دار، می رانیم القاعده و "یانکی" ز خاک
 رزمجوی میدان ایم، نیست ما را زجان پاک
 ازخس و خاشاک سازیم میهن خویش پاک
 رسد دوران مداوای مردمان فلج و لنگ
 بسازیم کشور خویش را با نام و ننگ

دوره ای آزادی و آرامش مهیا شود
میهن ویرانه ، بارِ دگر احیاء شود
نان و پیازی از برای ما پیدا شود
نباشند ملا و آخوند و چلی در لباس پلنگ
جنایتکاران را کجا باشد شرم و غیرت و ننگ
